




University of Tehran Press

## An Examination of the Legitimacy of French Military Action in Mali in Light of [the rule on] Intervention by Invitation

Asma Salari<sup>1</sup> 

1. Assistant Professor, Department of Law, University of Zabol, Zabol, Iran. Emails: [salari@uoz.ac.ir](mailto:salari@uoz.ac.ir)

Article Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	<p>Intervention by invitation is a rule of customary international law, which is occasionally invoked by states despite it not being prescribed by the Charter of the United Nations or other legally-binding instruments of international law. France's 2013 intervention in Mali was justified under this legal concept. Intervention by invitation is related to such principles of international law as the prohibition of intervention, the right to self-determination and, according to some, the prohibition on the use of force. Therefore, it is crucial to investigate this doctrine's nature and its dimensions based on the crisis in Mali. This paper has an analytical-descriptive method, and is based on library resources. In order to evaluate French intervention in Mali, first the status and terms of the intervention-by-invitation rule in international law will be examined, and then it will be analyzed whether French intervention in Mali was legal. We will also examine the French government's other justifications for the military action, i.e., self-defense and Security Council resolutions.</p>
<b>Pages:</b> 121-137	
<b>Received:</b> 2022/01/17	
<b>Accepted:</b> 2022/05/22	
<b>Published online:</b> 2023/04/19	
<b>Keywords:</b> <i>The Crisis in Mali, Intervention by Invitation, Self-defense, Effective Control, Democratic Legitimacy.</i>	
<b>How To Cite</b>	Salari, Asma (2023). An Examination of the Legitimacy of French Military Action in Mali in Light of [the rule on] Intervention by Invitation. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (1), 121-137. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005</a>
<b>DOI</b>	10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005
<b>Publisher</b>	University of Tehran Press. 



## بررسی مشروعیت اقدام نظامی فرانسه در مالی

اسماء سالاری<sup>✉</sup>۱. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه زابل، زابل، ایران. رایانامه: [salari@uoz.ac.ir](mailto:salari@uoz.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> پژوهشی</p> <p><b>صفحات:</b> ۱۳۷-۱۲۱</p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۰/۱۰/۲۷</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۱/۰۳/۰۱</p> <p><b>تاریخ انتشار برخط:</b> ۱۴۰۲/۰۱/۳۰</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> بحران مالی، دعوت به مداخله، دفاع مشروع، کنترل مؤثر، مشروعیت دموکراتیک.</p>	<p>دعوت به مداخله از جمله تأسیس‌های حقوق بین‌الملل است که به‌رغم عدم تصریح در منشور ملل متحد و اسناد لازم‌الاجرای حقوق بین‌الملل عام، مورد استناد کشورها قرار می‌گیرد. مداخلهٔ فرانسه در مالی در ژانویهٔ ۲۰۱۳ ذیل این مفهوم حقوقی صورت پذیرفت. دعوت به مداخله با برخی اصول حقوق بین‌الملل چون منع مداخله و حق تعیین سرنوشت و به‌زعم برخی منع توسل به زور ارتباط دارد؛ ازاین‌رو بررسی ماهیت و ابعاد آن با تکیه بر وقایع بحران مالی ضرورت و اهمیت می‌یابد. این مقاله با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است. به‌منظور ارزیابی مداخلهٔ صورت‌گرفته، ابتدا مشروعیت دعوت به مداخله در حقوق بین‌الملل و شرایط آن و سپس انطباق وقایع مداخله فرانسه در مالی با شروط این تأسیس تحلیل و بررسی می‌شود. به‌فراخور بحث، تعریضی کوتاه به سایر استنادات فرانسه یعنی دفاع مشروع و قطعنامه‌های شورای امنیت نیز زده خواهد شد.</p>
<b>استناد</b>	سالاری، اسماء (۱۴۰۲). بررسی مشروعیت اقدام نظامی فرانسه در مالی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۳ (۱)، ۱۳۷-۱۲۱. DOI: <a href="https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005">https://doi.com/10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005</a>
<b>DOI</b>	10.22059/JPLSQ.2022.337611.3005
<b>ناشر</b>	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



**مقدمه**

کشور مالی از اوایل ژانویه ۲۰۱۲ صحنه ناآرامی‌ها و شورش‌های پراکنده شد که با کودتای نظامیان و کنار زدن رئیس‌جمهور قانونی آن به اوج خود رسید. شورای امنیت با صدور بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایی نگرانی خود را از وضعیت این کشور مکرر اظهار کرد و به مأموریت حمایت بین‌المللی آفریقایی در مالی (زین پس آفسیما<sup>۱</sup>) اجازه داد ظرف یک سال به مداخله نظامی در این کشور اقدام کند. در این اثنا، پیشروی‌های شورشیان از شمال به سمت جنوب مالی توسعه یافت و با ایجاد شرایط بحرانی، دولت فرانسه نسبت به مداخله نظامی در ژانویه ۲۰۱۳ مبادرت ورزید. دولت فرانسه درخواست مداخله توسط مقامات قانونی، دفاع مشروع در مقابل تروریسم و قطعنامه شورای امنیت را مبانی اقدامش توصیف کرد. دعوت به مداخله از جمله مبانی مداخلات نظامی کشورهاست که بارها مورد استناد قرار گرفته و در تازه‌ترین حمله نظامی یعنی روسیه علیه اوکراین نیز به‌نحو مبهم به آن اشاره شده است.<sup>۲</sup> این نوع مداخله از حاکمیت دولت و اقتدار کامل آن بر قلمرو خود در محدوده حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود که مقامات قانونی آن با رضایتی معتبر و برای مقابله با گروه‌های شورشی که ثبات حاکمیت را به خطر انداخته‌اند، اقدام می‌کنند (Hafner, 2009: 415).

در منشور ملل متحد از مشروعیت یا ممنوعیت دعوت به مداخله سخن به میان نیامده است. زاویه دید اندیشمندان حقوقی به این نوع اقدام نظامی نیز متفاوت است. برخی درصدد بررسی آن به‌عنوان استثنایی عرفی بر اصل منع توسل به زور هستند و برخی میان این تأسیس حقوقی و اصل منع توسل به زور ارتباطی نمی‌یابند؛ به تبع، موضع دکتین از مشروعیت تا ممنوعیت آن متغیر است. این تفاوت نظر در خصوص مداخله فرانسه در مالی نیز وجود دارد، بدین توضیح که بر فرض مشروعیت دعوت به مداخله در حقوق بین‌الملل، آیا دعوت صورت‌گرفته شرایط مقرر را داشته است. به هر رو در این مقاله ابتدا سیر وقایع تا مداخله فرانسه تبیین می‌شود. سپس دفاعیات فرانسه مشتمل بر دفاع مشروع، مجوز مندرج در قطعنامه‌های شورای امنیت به‌طور مختصر بررسی می‌شود. پیش از ارزیابی وجود یا نبود شروط دعوت به مداخله در بحران مالی، مفهوم و ابعاد این تأسیس حقوقی در حقوق بین‌الملل بررسی می‌شود.

#### 1. The African-led International Support Mission in Mali (AFSIMA)

۲. رئیس‌جمهور روسیه و نماینده وی در سخنرانی و لایحه تقدیمی به دیوان به دعوت سران دو جمهوری خودخوانده اشاره کرده‌اند. این واژه ممکن است جهت استناد به تأسیس حقوقی دعوت به مداخله یا کمک نظامی با رضایت قبلی در منازعاتی کمتر از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی باشد.

<http://en.kremlin.ru/events/president/news/67843>; see also Document (with annexes) from the Russian Federation setting out its position regarding the alleged "lack of jurisdiction" of the Court in the case, 7/3/2022, <https://www.icj-cij.org/public/files/case-related/182/182-20220307-OTH-01-00-EN.pdf>

## ۱. سیر وقایع از ژانویه ۲۰۱۲ تا مداخله فرانسه در ژانویه ۲۰۱۳

مالی کشوری است محاط در خشکی، واقع در غرب آفریقا که با الجزایر، بوركینافاسو، نیجر، گینه، سنگال و موریتانی هم‌مرز است و به هشت ناحیه کشوری تقسیم می‌شود.<sup>۱</sup> ۹۴ درصد جمعیت بیست‌ویک میلیون نفری آن مسلمان هستند. ناآرامی‌ها با حمله ۱۷ ژانویه ۲۰۱۲ جنبش شورشی توآرگ<sup>۲</sup> (سکولار و ملی‌گرا) و ان‌ام‌لا<sup>۳</sup> به شهر مناکا در ناحیه گائو آغاز شد. در ۲۲ مارس، یک هفته پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، گروهی از نظامیان مالیایی با رهبری کاپتان آمادو هایاسانگو<sup>۴</sup> کودتا کردند و رئیس‌جمهور وقت، آمادو تومانی توره<sup>۵</sup> را کنار زدند. این اقدام مورد محکومیت کشورها و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت. با وضع تحریم‌های شدید از سوی اکواس<sup>۶</sup> (جامعه اقتصادی دولت‌های غرب آفریقا) و اتحادیه آفریقا، انجمن نظامی کودتا التزم خود به اعمال قواعد جاری کشور و برگزاری انتخابات را اعلام کرد. مذاکرات میان اکواس و کودتاگران انجام گرفت و توافقی در آوریل ۲۰۱۲ منعقد شد که طبق آن، دیونکندا ترائوره<sup>۷</sup> به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت تعیین شد (ICC prosecutor report, situation in Mali, 2012: 8,11).

همزمان با مذاکرات و توافقات مذکور، گروه‌های سلفی اسلامی مانند انصارالدین، عقیم و موجائو بر ناآرامی‌های شمال کشور افزودند تا جایی که در ۲ آوریل، شهرهای بزرگ گائو، کیدال و تیمبوکتو را تصرف کردند و نیروهای دولت را به جنوب راندند. در اواخر ژوئن، نواحی تیمبوکتو و کیدال در سیطره انصارالدین و ناحیه گائو به تصرف موجائو درآمد (ICC prosecutor report, situation in Mali, 2012: 9).

دولت موقت در سپتامبر از اکواس درخواست کمک کرد تا به سرکوب شورشیان بپردازد. اکواس از یک سو به رئیس‌جمهور بوركینافاسو مأموریت مذاکره با انصارالدین به‌منظور جدایی از القاعده و کمک به حل بحران را داد و از سوی دیگر دولت موقت را تشویق به اخذ کمک از شورای امنیت کرد. با انعکاس موضوع به شورای امنیت، این نهاد در ۱۲ اکتبر، قطعنامه ۲۰۷۱ را تصویب کرد و ضمن یادآوری مسئولیت مرتکبان نقض‌های حقوق بشر و بشردوستانه، از اکواس و اتحادیه آفریقا خواست طرح مداخله بین‌المللی در مالی را ترسیم و ظرف ۴۵ روز به شورا تسلیم کنند. اکواس در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۲ به اتفاق آرا با مداخله ۳۳۰۰ نفری خود در چارچوب افسیما موافقت و آن را به شورا اعلام کرد (Onuoha & Thurston, 2013: 4).

شورای امنیت طی قطعنامه ۲۰۸۵ مورخ ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲، طرح را تأیید و دولت‌های آفریقایی را به اجرای آن ظرف مدت یک سال ملزم کرد. قطعنامه مذکور در عین حال، مقامات دولت انتقالی را به مذاکره با طرف‌های درگیر که ارتباطشان را با سازمان‌های تروریستی قطع کرده‌اند، تشویق کرد.

1. Gao, Kayes, Kidal, Koulikoro, Mopti, Ségou, Sikasso, Timbuktu and the capital district Bamako.

2. Tuareg

3. National Movement for the Liberation of Azawad,

4. Amadou Haya SANOGO

5. Amadou Toumani Touré

6. Economic Community of West African States (ECOWAS)

7. Dioncounda Traore

از یک سو به سبب وجود چالش‌های مربوط به آموزش نیروها، تأمین هزینه و تمهیدات لجیستیکی، اعزام نیرو اکواس در بهترین حالت پایان ۲۰۱۳ پیش‌بینی شد و از سوی دیگر، مذاکرات اکواس با طرف‌های درگیر با بن‌بست مواجه شد. افزون بر آن، عملیات ۹ ژانویه شورشیان، پیشروی آنها به سمت جنوب و در آینده‌ای نزدیک، تصرف کل خاک مالی را قریب‌الوقوع ساخت (Lunn et al., 2013:1). در این شرایط بغرنج، مقامات دولت موقت از فرانسه درخواست کمک کردند. دولت فرانسه به سرعت اقدام و در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳، تحت عملیات سروال<sup>۱</sup> حملات هوایی به منظور توقف تهاجم مسلحانه شورشیان در جنوب مالی را آغاز کرد و بلافاصله قریب به ۴۵۰۰ نیروی زمینی، در حمایت از نیروهای دفاعی و امنیتی مالی اعزام کرد که مورد همراهی نظامیان چاد قرار گرفتند (Bannelier & Christakis, 2013: 856).

به بیان فرانسوی‌ها، این عملیات به منظور توقف پیشروی گروه‌های جهادی و تروریستی، ممانعت از ارتکاب جرم‌های بیشتر به وسیله این گروه‌ها در جنوب، کاهش پتانسیل انجام این اعمال و اطمینان از امنیت ۵۰۰۰ فرانسوی و دیگر شهروندان اروپایی در مالی بود (Lunn et al., 2013: 4). فرانسه در نامه رسمی خود در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ به شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌گوید: «فرانسه امروز به درخواست کمک رئیس‌جمهور موقت جمهوری مالی، آقای دیونکوندا تراووره پاسخ داده است. مالی با عناصر تروریستی از شمال که در حال حاضر تمامیت ارضی و موجودیت دولت و امنیت جمعیت آن را تهدید می‌کند مواجه شده و نیروهای مسلح فرانسه، در پاسخ به این درخواست و در هماهنگی با شرکای ما، به‌ویژه آنهایی که در منطقه هستند، به حمایت از واحدهای مالی در مبارزه با تروریست‌ها می‌پردازد» (S/2013/17).

حملات نیروهای مالی با پشتیبانی نیروهای فرانسه و چاد موجب آزادسازی نواحی و شهرهای شمالی مالی و پناهنده شدن گروه‌های شورشی به مناطق کوهستانی شمال شد که البته این مناطق نیز از حملات نیروی هوایی فرانسه در امان نماند. در ۶ مارس ۲۰۱۳ دولت فرانسه تأیید کرد که نیروهای فرانسه از آوریل ۲۰۱۳ به ترک مالی اقدام و نیروهای آفریقایی، امنیت در این کشور را به عهده می‌گیرند (Lunn et al., 2013: 5).

مداخلات نظامی فرانسه و آفریقا در مالی مورد تأیید جامعه بین‌المللی قرار گرفت و اعتراضی به فرانسه نشد. بسیاری از دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای، دبیرکل سازمان ملل متحد و شورای امنیت سازمان ملل متحد (preamble of S/RES 2100, 25 April 2013) حمایت خود را اعلام کردند.

صرف نظر از تأیید گسترده، ارزیابی دلایل فرانسه از منظر حقوق بین‌الملل اهمیت دارد. وزیر خارجه وقت فرانسه، دلایل مداخله را درخواست کمک نخست‌وزیر موقت مالی، دفاع مشروع جمعی در برابر اقدامات تروریستی و قطعنامه ۲۰۸۵ شورای امنیت اعلام کرد<sup>۲</sup> که البته بعدها، دفاع مشروع در میان مبانی اقدام فرانسه تکرار نشد (Bannelier & Christakis, 2013: 857-858).

1. Serval

2. Press conference by M. Laurent Fabius, French MFA, 11 January 2013, at: [www.basedoc.diplomatie.gouv.fr/vues/Kiosque/FranceDiplomatie/kiosque.php?fichier=baen2013-01-14.html](http://www.basedoc.diplomatie.gouv.fr/vues/Kiosque/FranceDiplomatie/kiosque.php?fichier=baen2013-01-14.html) qtd. in Bannelier & Christakis, 2013: 858

## ۲. دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت

پیش از تأمل بر دفاع اصلی دولت فرانسه یعنی دعوت به مداخله، شایسته است دیگر دلایل مطروحه یعنی دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت به طور مختصر ارزیابی شود.

### ۲.۱. دفاع مشروع

دفاع مشروع جمعی از جمله دلایلی بود که فرانسه در آغاز حمله به مالی به آن استناد کرد، لکن در ادامه از آن چشم پوشید. مع الوصف از آنجا که این تأسیس به عنوان یکی از مبانی مداخله در مالی شناخته می‌شود و بعضاً به ارتباط میان آن و دعوت به مداخله اشاره می‌شود (زمانی و نیکوئی، ۱۳۹۶: ۲۹۰)، ناگزیر به ارزیابی آن هستیم.

با تنظیم منشور ملل متحد، توسل به زور ممنوع و تنها دو استثنا بر آن پذیرفته شد؛ دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی فعالیت‌های نظامی کنگو همسو با نظر قبلی خود در رأی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، بند ۴ ماده ۲ منشور (اصل منع توسل به زور) را سنگ بنای منشور دانست و تأکید کرد که جز موارد اقدام شورای امنیت ذیل فصل هفتم، دولت‌ها صرفاً مجاز به اقدام در محدودیت‌های سخت مندرج در ماده ۵۱ منشور هستند (ICJ, 2005: para.148). دفاع مشروع حقی است که کشورها براساس آن می‌توانند از خود و همچنین از کشورهای دیگر که با آنها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند، با عکس‌العمل نظامی فوری به‌طور انفرادی یا جمعی، مقابل حمله مسلحانه دفاع کنند (کدخدایی و زر نشان، ۱۳۷۶: ۸۷). این حق در ماده ۵۱ منشور منعکس شده و دیوان عمدتاً تفسیر مضیق از آن مقرر کرده است، از جمله آنکه در کنار رعایت شروطی چون ضرورت، فوریت و تناسب، وقوع حمله مسلحانه با دامنه و آثار شایان توجه (ICJ Reports 2003: para.51) را شرط لازم برای استناد به این ماده دانسته است (ICJ, 2004: para.139)؛ شرطی که علاوه بر نظام منشور، پیش شرط دفاع مشروع در حقوق عرفی نیز است (ICJ Rep 1986, para.195)، البته منطقی به نظر می‌رسد، چراکه بدون حمله، چگونه می‌توان ضرورت و تناسب دفاع را سنجید.

طبق رأی دیوان در قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه، دفاع مشروع جمعی در صورتی معتبر است که پس از وقوع حمله مسلحانه، دولت قربانی تعرض به خود را اعلام کرده باشد. این دفاع ضمن رعایت شروط عمومی دفاع مشروع، وابسته به درخواست دولت قربانی است (ICJ Rep 1986, paras. 103-4). به بیان دیوان در قضیه دیوار حائل، دفاع مشروع جمعی درخواست دفاع از سوی یک دولت در مقابل حمله مسلحانه است (ICJ, 2004: para.139).

دولت فرانسه در آغاز ماجرا، اقدامات شورشیان را به منزله حمله مسلحانه معرفی کرد و با توجه به

درخواست مقامات مالی، دفاع مشروع جمعی را محقق دانست، درحالی که اقدامات نظامی گروه‌های شورشی در مقیاسی نیست که حمله مسلحانه در نظر گرفته شود. حتی اگر ابعاد اقدامات آنها گسترده باشد، این مسئله مورد اختلاف است که آیا حمله مسلحانه توسط غیر دولت نیز قابل ارتکاب است. در بحران مالی، عمده شورش‌های انجام گرفته توسط اتباع این کشور و نه توسط یا حتی از جانب دول دیگر صورت گرفت. مسئله دیگر، موضوعیت داشتن/نداشتن مکان جغرافیایی حمله در امکان استناد به دفاع مشروع است که به سبب عدم تصریح در ماده ۵۱ منشور محل اختلاف است. مسئله آن است که آیا ضرورت دارد حمله مسلحانه از خارج مرزها بر کشور قربانی صورت پذیرد تا حق بر دفاع مستقر شود. این موضوع در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دیوار حائل مطرح شد و دیوان ماده ۵۱ را در وضعیت مورد بررسی، به دلیل وجود تهدید ادعا شده، در داخل اسرائیل و نه از بیرون آن، قابل اعمال ندانست (ICJ, para.136: 2004). البته فرانسه بر تروریستی بودن گروه‌های شورشی تأکید داشت و دفاع مشروع در مقابل آن را مدعی بود. پس از واقعه یازده سپتامبر این نظر تقویت شد که اگر مرتکب حمله مسلحانه، گروه‌های تروریستی باشند، می‌توان با شروطی در برابرش دفاع مشروع کرد (Garwood- Gowers, 4: 2004). در این حالت، باید حمله تروریستی به گونه‌ای باشد که شدت آن به حد مخاصمه مسلحانه برسد، آن حملات منتسب به دولت دیگر باشد (Ratner, 2012: 2)، حمله واقعی تروریستی پیش از دفاع مشروع رخ داده باشد و استفاده از زور در دفاع مشروع، ضروری و متناسب باشد (Smith, 2006: 1).

چنانکه ملاحظه می‌شود شروط این نظریه در قضیه مالی وجود ندارد. شدت اقدامات گروه‌های تروریستی به آستانه مقرر نمی‌رسد، ضمن آنکه حتی اگر اقدامات آنها همتراز حمله مسلحانه باشد، زمانی مثبت حق دفاع مشروع است که منتسب به دولتی باشد؛ بی‌شک چنین ارتباطی نه در بحران مالی که در هیچ کشور دیگری قابل کشف و اثبات نیست.

برخی اندیشمندان به نکته ظریفی اشاره کرده‌اند که وقتی ماده ۵۱ منشور ملل متحد، مجوز اعمال زور علیه دولتی دیگر را با وجود ممنوعیت بند ۴ ماده ۲ منشور می‌دهد، کمی نامأنوس است که برای یک دولت از اعمال حق دفاع مشروع، بدون کاربرد زور در خارج از قلمروش، سخن برانیم (Ratner, 2012: 5). افزون بر این باید به این نکته ظریف اما مهم توجه داشت که دفاع مشروع استثنایی بر اصل منع توسل به زور است که اصلی حاکم بر روابط دولتهاست و توجهی به کاربرد زور و مستثنیات آن درون قلمرو یک دولت ندارد.

در مجموع، عدم وقوع حمله مسلحانه، عدم ارتکاب اقدامات خصمانه توسط دولت، عدم حمله از سرزمین دیگر و از همه مهم‌تر بی‌ارتباطی اصل منع توسل به زور و استثنائات آن بر مسائل درون یک کشور، امکان استناد به دفاع مشروع در قضیه مالی را منتفی می‌سازد.

## ۲.۲. شورای امنیت و بحران مالی

از جمله دفاعیات فرانسه، قطعنامه ۲۰۸۵ شورای امنیت و وفاق موجود میان اعضای شورا و نهادهای منطقه‌ای بود. بحران مالی موضوع قطعنامه‌ها و بیانیه‌های متعدد شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت. بیانیه‌های مورخ ۲۶ مارس و ۴ آوریل ۲۰۱۲ ریاست شورا، بیانیه‌های رسانه‌ای شورا مورخ ۲۲ مارس، ۹ آوریل، ۱۸ جون، ۱۰ اوت، ۲۱ سپتامبر، ۱۱ دسامبر ۲۰۱۲ و ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ و قطعنامه‌های ۲۰۶۵، ۲۰۷۱، ۲۰۸۵، ۲۱۰۰ حاوی توصیه‌ها و تصمیم‌های این شورا است.

در این اسناد، شورا به کرات کنار زدن حکومت منتخب دموکراتیک مالی را محکوم می‌کند و ضمن تأکید بر حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت و یکپارچگی مالی، از تلاش‌های اکواس، اتحادیه آفریقا، نماینده دبیرکل و سایر دول و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی در راستای حل بحران حمایت می‌کند. شورا بر بازگشت به نظم مبتنی بر قانون اساسی در مالی تأکید ورزیده و نگرانی عمیق خود از خطر تروریسم در شمال مالی را ابراز و تمام نقض‌های حقوق بشردوستانه و مصونیت افراد تحت حمایت دیپلماتیک را محکوم می‌کند. همچنین تلاش‌های سازمان‌ها برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به مردم را تشویق کرده و از جامعه جهانی نیز می‌خواهد از این اقدامات حمایت کنند. شورا بر همکاری نزدیک و جدی میان مقامات دولت انتقالی و شخصیت‌های سیاسی اجتماعی برجسته کشور نیز تأکید می‌کند (S/RES/2056/2012).

کودک‌ربایی و گروگان‌گیری توسط تروریست‌ها برای اخذ امتیازهای سیاسی یا کسب پول و افزایش بی‌پناهان و آوارگان از دغدغه‌های شورا است و حمله به غیرنظامیان، تخریب، صدمه به اماکن مذهبی تاریخی به خصوص آثار میراث مشترک بشریت یونسکو به شدت محکوم می‌شود. همچنین ضمن حمایت از مقامات دولت انتقالی می‌خواهد گفت‌وگوها را با نمایندگان قانونی سیاسی و اجتماعی منطقه شمال با حمایت اکواس و دیگر نهادهای بین‌المللی توسعه دهند و به ترسیم نقشه راه، ایجاد و تحکیم نهادها به خصوص نهادهای نظامی و امنیتی و برگزاری انتخابات آزاد، اهتمام ورزند (S/RES/2071/2012).

این توصیه‌ها ادامه داشت تا شرایط وخیم شد و در ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۲، نخست‌وزیر دولت انتقالی مالی نامه‌ای به دبیر کل سازمان نوشت و طی آن درخواست کرد شورای امنیت با تصویب قطعنامه‌ای براساس فصل هفتم منشور ملل متحد، حضور یک نیروی نظامی بین‌المللی برای کمک به نیروهای نظامی مالی جهت بازپس‌گیری مناطق تصرف‌شده در شمال مالی را تجویز کند. وی به بحران امنیتی بی‌سابقه در شمال مالی اشاره کرد و از اشغال سه منطقه توسط قاچاقچیان مواد مخدر، مجرمان مختلف و تروریست‌ها و نقض هر روزه حقوق بنیادین مردم به صورت اعدام، تجاوز، غارت، تخریب ابنیه تاریخی در گائو و تیمبوکتا خبر داد و اعلام کرد وضعیت بشردوستانه کشور به حالت هشدار رسیده است (S/2012/727).

آنچه مستند دولت فرانسه در اقدام به دخالت نظامی است، قطعنامه ۲۰۸۵ شورا مصوب ۲۰ دسامبر



۲۰۱۲ است. بندهای ۱۴، ۱۳، ۱۱، ۹، ۷ قطعنامه از اعزام آفیسما به این قلمرو حمایت می‌کند و در همان حال از دیگر دول عضو مشتمل بر دول ذی‌نفع می‌خواهد در تدارک نیرو به آفیسما «هر کمک مقتضی برای کاهش خطر ایجادشده توسط گروه‌های تروریستی» را انجام دهد (S/RES/2085/2012).

به دلیل مشکلات لجستیکی، اعزام آفیسما تا پیش از سپتامبر ۲۰۱۳ عملی نبود و رهبران آفریقایی مطمئن نبودند که نیروی منطقه‌ای بتواند برنده جنگ علیه شورشیان باشد، از این رو با ارسال نامه ۸ ژانویه ۲۰۱۳ به ناتو، از قدرت‌های غربی کمک خواستند.

دو روز بعد، شورا در بیانیه ۱۰ ژانویه ۲۰۱۳، درست پیش از حمله فرانسه اظهار کرد که این وخیم‌تر شدن اوضاع نه تنها ثبات و تمامیت ارضی مالی را به خطر می‌اندازد، بلکه موجب تهدید مستقیم علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. در نتیجه اعزام سریع‌تر آفیسما و کمک دولت‌ها در جهت کاهش خطر ایجادشده را خواستار شد (SC/10878). روز بعد فرانسه عملیات نظامی سروال را آغاز کرد که مورد قدرانی اکواس قرار گرفت (Statement of the President of the ECOWAS Commission on the Situation in Mali, 006/2013 12 January 2013).

برخلاف ادعای فرانسه، قطعنامه ۲۰۸۵ شورا به صراحت جواز دخالت نظامی در مالی را به دولت‌ها نمی‌دهد، لکن عبارات آن به گونه‌ای طراحی شده است که به سهولت تاب تفسیر موسع و اعتقاد به جواز اقدام نظامی را دارد. این رویه شورا - که بی‌سابقه نیز نیست - می‌تواند تزلزل و عدم ثبات را برای روابط بین‌المللی هدیه کند؛ به طوری که با اعلام وضعیتی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و بدون نیاز به اقناع تمامی اعضای دائم شورا و با گنجاندن عباراتی کلی در هر مناقشه، به یک عضو شورای امنیت اجازه اقدام نظامی به صلاحدید خود - و شاید برای تعقیب منافع سیاسی‌اش در آن وضعیت - اعطا می‌کند. نکته مهم‌تر آنکه، عبارات کلی قطعنامه ۲۰۸۵ تاب تفسیر موسع در اقدام نظامی توسط آفیسما را دارد و به‌واقع جوازی برای فرانسه نیست.

شورا نیز در قطعنامه بعدی خود مورخ ۲۵ آوریل ۲۰۱۳، عملیات سریع نیروهای فرانسه با درخواست مقامات دولت انتقالی برای توقف تروریسم و پیشروی به جنوب را تأیید و تلاش‌های صورت‌گرفته به منظور اعاده تمامیت ارضی مالی توسط نیروهای امنیتی و دفاعی مالی با پشتیبانی نیروهای فرانسوی و آفیسما را تحسین کرد. شورا پس از اعلام تصمیم خود به ایجاد مینوسما ۱ به جای آفیسما، به نیروهای فرانسوی اجازه داد از آغاز کار مینوسما در جهت پشتیبانی از این مجموعه به اتخاذ هرگونه اقدام مقتضی مبادرت ورزند (S/RES/2100/2013). چنانکه مشاهده می‌شود قطعنامه ۲۱۰۰ شورا نیز اجازه اقدام نظامی فرانسه را محدود به حمایت از فعالیت‌های مینوسما کرده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود قطعنامه‌های صادره از سوی شورا پیش از آغاز عملیات سروال به فرانسه اجازه دخالت نظامی نمی‌دهد و پس از مداخله نیز ضمن اشاره به دعوت مقامات مالی بر آن مهر تأیید زده و جواز هرگونه اقدام را منحصر به پشتیبانی از فعالیت‌های مینوسما کرده است. بدین ترتیب جوازی از سوی شورای امنیت برای مداخله فرانسه در مالی مشاهده نمی‌گردد.

### ۳. دعوت به مداخله در حقوق بین‌الملل

پیش از تقاضای مداخله مقامات مالی، دعوت به مداخله نظامی دولت خارجی در مخاصمه داخلی دولت میزبان، در قضایای متعددی رخ داده است. ورود بریتانیا به اوگاندا و کنیا در ۱۹۶۴ در حمایت از دولت مرکزی، دخالت ایالات متحده، فرانسه، ایتالیا و انگلیس در لبنان ۱۹۸۲ به منظور برقراری و اعاده نظم، مداخله ایالات متحده در دومینیک ۱۹۶۵ و گرانادا ۱۹۸۳ که البته به دلیل محل تردید بودن صلاحیت مقامات دعوت‌کننده مورد اعتراض دولت‌ها شد یا مداخله شوروی در مجارستان ۱۹۵۶، چکاسلواکی ۱۹۶۸ و افغانستان ۱۹۷۹ که به زعم برخی دعوت‌های ساختگی و اجباری بودند (Doswald-Beak, 1986: 228-241). رویکرد حقوق بین‌الملل به این پدیده قبل و بعد از منشور متفاوت بوده است. در حقوق قبل از منشور سطح مخاصمه، تعیین‌کننده جواز یا عدم جواز مداخله است. در حالت «ناآرامی»<sup>۱</sup> که دولت مرکزی بر کل سرزمین اعمال کنترل می‌کند، تنها به درخواست او می‌توان مداخله نظامی کرد. سطح بعدی شورش<sup>۲</sup> است که شورشیان بخشی از سرزمین را تصرف کنند؛ در اینجا هرگونه کمکی به هر دو طرف ممنوع است. در صورت تداوم درگیری‌ها و تصرف سرزمین توسط شورشیان به میزان یا بیشتر از دولت مرکزی، مخاصمه<sup>۳</sup> پدید می‌آید و می‌توان به نفع هر کدام وارد شد (Shaw, 2017: 875). نظام منشور در این خصوص حکمی ندارد. آنچه در بند ۲ ماده ۴ این سند ممنوع شده، منع توسل به زور در روابط میان دولت‌ها و نه در درون قلمرو یک دولت است. البته این سکوت منشور مانع از اتخاذ موضع توسط دکتترین و ارگان‌های سازمان ملل نشده است. مؤسسه حقوق بین‌الملل ابتدا در قطعنامه ۱۹۷۵ دعوت به مداخله در جنگ داخلی به نفع هر دو طرف را ممنوع اعلام کرد. در خصوص مصادیق مداخله نظامی مبتنی بر دعوت، قطعنامه مذکور فهرستی تمثیلی بدین شرح ذکر کرده است: اعزام نیروهای مسلح یا داوطلبان نظامی، کارشناس یا مربی برای هریک از طرفین درگیر در جنگ داخلی یا اجازه اعزام یا اقدام این افراد؛ ایجاد یا آموزش نیروهای منظم یا غیرمنظم به منظور حمایت هریک از طرفین درگیر در جنگ داخلی یا اجازه ایجاد و آموزش این نیروها؛ فراهم کردن تسلیحات و سایر ادوات جنگی برای هریک از طرفین

1. Rebellion
2. Insurgency
3. Belligerency

درگیر در جنگ داخلی یا اجازه فراهم کردن این تجهیزات؛ کمک مالی یا اقتصادی به هریک از طرفین درگیر در جنگ داخلی به طوری که نتیجه جنگ را تحت تأثیر قرار دهد، بدون آنکه به استثنای مذکور در بند «ب» ماده ۳ لطمه زند؛ قرار دادن سرزمین خود در اختیار هر یک از طرفین درگیر در جنگ داخلی یا اجازه استفاده از سرزمین توسط هر یک از طرف‌های مذکور به عنوان مرکز تدارکات یا انجام عملیات یا پایگاه شورشی‌ها یا عبور نیروهای منظم یا غیرمنظم یا انتقال ادوات جنگی یا انتقال اطلاعات نظامی برای هر طرف و شناسایی حکومت موقتی که هیچ‌گونه کنترل مؤثری بر نواحی مهم و راهبردی کشور مربوط را ندارد (The Draft Report of The ILI on The Principle of Non-Intervention in Civil Wars, 1975: Art.2). قطعنامه در ماده ۳، کمک‌های بشردوستانه، اعطای کمک‌های فنی و اقتصادی که احتمال تأثیر بسزایی بر نتیجه جنگ ندارد و مساعدت‌های مطابق منشور یا توصیه و تجویز شده از سوی سازمان ملل را از فهرست مذکور استثناء می‌کند.

برخلاف انجمن، مصوبات و رویکرد ارکان سازمان ملل نسبت به مشروعیت دعوت به مداخله مثبت ارزیابی می‌شود. در قطعنامه تعریف تجاوز مصوب مجمع عمومی سازمان ملل، مفهوم مخالف بند e ماده ۳، استفاده از نیروی نظامی با رضایت دولت میزبان را مصداق تجاوز نمی‌داند (GA Resolution A/RES/3314)، از این رو نظر به جواز مداخله نظامی با رضایت دارد.

دیوان بین‌المللی دادگستری به صراحت بر مشروعیت دعوت به مداخله، مهر تأیید زده است. دیوان در رأی فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی آمریکا در نیکاراگوئه تصریح می‌کند: «مشکل می‌توان گفت چه چیزی از اصل عدم مداخله در حقوق بین‌الملل باقی می‌ماند اگر مداخله که قبلاً با درخواست دولت یک کشور قابل قبول دانسته می‌شد، به درخواست طرف مقابل نیز مجاز باشد. در آن صورت، هر کشوری مجاز است در هر زمان در امور داخلی دولت دیگر مداخله کند خواه به درخواست حکومت خواه شورشیان (ICJ Rep, 1986: Para. 246) در قضیه اقدامات نظامی در سرزمین کنگو نیز دیوان مداخله را تنها با درخواست دولت مرکزی قابل قبول دانست (ICJ Rep 2005: paras.42-53). شورای امنیت نیز در قطعنامه ۳۸۷ خود، حق ذاتی و مشروع هر کشور در اعمال حق حاکمیتش برای درخواست کمک از کشور یا گروهی از کشورهای دیگر را تأیید کرد (SC/Res, 387, 1976). تفسیر ماده ۲۰ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها (Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries 2001:72-75)، رویه دولت‌ها (Nolte, 2010: 6) و نظرهای اندیشمندان (Shaw, 2017: 876; Dinstein, 2011: 119) نیز با دیوان همسوست. البته در خصوص مبنای مشروعیت آن، نظرهای حقوقدانان متفاوت است، مانند استثنای عرفی بر منع توسل به زور، رضایت در حقوق مسئولیت بین‌المللی و عدم تضاد با اصل حاکمیت دولت‌ها و تمامیت ارضی به دلیل اختصاص داشتن به درون سرزمین یک دولت (Visser, 2019: 43). موضع مخالف انجمن در قطعنامه بعدی در سال ۲۰۱۱ تا حدی تعدیل شد، به طوری که مداخله نظامی

در سطح تنش، ناآرامی و شورش را تا جایی که به حد مخاصمه تعریف شده در پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو نرسد، تنها به نفع دولت مرکزی، با رعایت کامل حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مجاز می‌داند (The Draft Report of the 10th commission of the ILI, 2011: Arts. 2,3).

در اینجا ذکر دو نکته مفید فایده است. در نظرهای نهادها و اندیشمندان بارها بر تفکیک حالت‌های منازعه تأکید می‌شود و براساس آن، امکان مداخله و اینکه به نفع کسی می‌توان ورود کرد، تعیین می‌شود، درحالی که در عمل، دولت‌ها اغلب دسته‌بندی شورش را مشخص نمی‌کنند تا بتوان قاعده هر دسته را اعمال کرد. به نظر می‌رسد به‌طور کلی کمک‌های خارجی به مقامات دولتی برای سرکوب یک شورش مشروع است، البته به شرطی که دولت میزبان درخواست کرده باشد. همچنین در وضعیت‌هایی چون آستانه فروپاشی دولت مرکزی یا نقض جدی حقوق بشر شورشیان، اعطای چنین کمکی محل تأمل است.

نکته دیگر تنویر رابطه دو تأسیس دعوت به مداخله و دفاع مشروع جمعی است؛ امری که گاه توسط نویسندگان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. این دو مفهوم از مستقل یکدیگرند و مبنا و زمینه اجرای متفاوتی دارند، بدین توضیح که اولاً نگاه غالب و مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری برای دفاع مشروع، وقوع حمله مسلحانه است، درحالی که منازعات داخلی این وصف را ندارد؛ ثانیاً حمله مسلحانه باید توسط دولت صورت گرفته باشد، لکن منازعات داخلی توسط بازیگران غیردولتی انجام می‌گیرد؛ ثالثاً دفاع مشروع علیه دولت مهاجم و عمدتاً درون سرزمین اوست، درحالی که دفاع مشروع برای مقابله با بازیگران غیردولتی درون سرزمین دولت دعوت‌کننده است (Visser, 2019: 44). از همه مهم‌تر آنکه، دفاع مشروع استثنایی بر اصل منع توسل به زور در روابط میان دولت‌هاست؛ حوزه‌ای که دعوت به مداخله به آن ارتباطی ندارد.

#### ۴. ماهیت و شرایط دعوت به مداخله و ارزیابی بحران مالی در آن چارچوب

دعوت به مداخله از حاکمیت دولت و اقتدار کامل آن بر قلمرو خود در محدوده حقوق بین‌الملل ناشی می‌شود که مقامات قانونی آن با رضایتی معتبر و برای مقابله با گروه‌های شورشی که ثبات حاکمیت را به خطر انداخته‌اند، اقدام می‌کنند (Hafner, 2009: 415). این رضایت می‌تواند به‌طور موردی یا از طریق معاهده<sup>۱</sup> به دولت دیگر اعطا شود. رضایت قبلی دولت دعوت‌کننده، شائبه نقض اصل عدم مداخله را مرتفع می‌سازد.

این رضایت باید صریح، آزادانه و از روی اختیار بوده و شخص ابراز کننده آن از صلاحیت این اظهار طبق قانون داخلی کشور دعوت‌کننده برخوردار باشد تا مطابق حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن کشور

۱. در قاره آفریقا جواز مداخله به نیروهای منطقه‌ای در معاهدات گنجانده می‌شود. با تشکیل شورای صلح و امنیت آفریقا و اعطای اختیارات گسترده به آن و انعقاد پروتکل دوران امکان مداخله در شرایطی بدون رضایت دولت مرکزی نیز پیش‌بینی شده است.

شود. دعوت به مداخله توسط دولت دست‌نشانده و متکی به قدرت خارجی جهت حضور آن قدرت مورد تأیید نیست، مانند حضور شوروی در مجارستان (۱۹۵۶) و افغانستان (۱۹۷۹) و آمریکا در پاناما (۱۹۸۹) (Dinstein, 2011: 121-123). با احراز رضایت واقعی، دولت ثانی باید به شروط رضایت در سرزمین دولت میزبان و اهداف مقرر محدود بماند و بر این امر واقف باشد که رضایت مذکور، قابل استرداد است و اگر معاهده‌ای در میان نباشد، هیچ تشریفاتی برای استرداد وجود ندارد (ICJ, 2005: paras. 197-199). عمل در محدوده رضایت و استرداد آن از قطعنامه تعریف تجاوز نیز قابل استنباط است، آنجا که در شق پنجم ماده ۳ بیان کرده است که هرگاه نیروهای مسلح یک دولت که در سرزمین دولت دیگر مستقر شده‌اند، برخلاف توافق به عمل آمده، به کار روند یا به حضور خود پس از پایان مدت مورد توافق ادامه دهند، عمل تجاوزکارانه خواهد بود. البته بدیهی است که منظور از عمل در محدوده رضایت دولت دعوت کننده، آن است که دولت مداخله‌گر به آن گونه اعمال تعیین شده از سوی میزبان می‌تواند مبادرت ورزد که خود دعوت کننده از لحاظ حقوقی اختیار و صلاحیت انجام آن را داشته باشد. به‌طور مثال دولت مداخله‌گر نمی‌تواند به نقض حقوق بشر یا بشردوستانه مردم با رضایت میزبان بپردازد. نکته دیگر آنکه، اگر قدرت مرکزی نابود شود و با دولت ناتوان<sup>۱</sup> مواجه شویم، هیچ گروهی صلاحیت استرداد رضایت را ندارد (Dinstein, 2011: 123).

شرط دیگر، اعمال کنترل مؤثر بر سرزمین توسط دعوت کننده است که این امر، در دوره زمانی طولانی مدنظر خواهد بود و بروز وقفه کوتاه در کنترل مؤثر حکومت قانونی بر سرزمین، مشروط بر آنکه اقدام جبرانی به سرعت صورت گیرد، نادیده انگاشته می‌شود (زمانی، ۱۳۹۱: ۸۷). مؤلفه دیگری نیز در بحث دعوت به مداخله مطرح است که نظر واحدی درباره آن استنباط نمی‌شود و آن، وجود مشروعیت دموکراتیک دعوت کننده است. برخی آن را معیار اعتبار و صحت دعوت می‌دانند که به جای کنترل مؤثر مطرح شده است (زمانی، ۱۳۹۶: ۲۹۱). برخی دیگر معتقدند این ویژگی می‌تواند در موارد استثنایی خلأ ناشی از فقدان کنترل مؤثر را پر کند (زمانی، ۱۳۹۱: ۸۴). نظر دیگر آن است که تنها مداخله‌ای مجاز است که برای اعاده مشروعیت دموکراتیک باشد (Frank, 1992: 46). به بیان دیگر، هدف مداخله نیز در مشروعیت آن تعیین کننده است. اگر مقصود، حل مناقشه سیاسی به نفع دولت مستقر باشد، مشروع نیست. مبنای این نظر، برداشت موسع از اصل تعیین سرنوشت است که طبق آن مردم حق بر انتخاب نظام مدنظر خود را دارند که استقلال سیاسی‌اش از دخالت خارجی‌ها حفظ شود، از این رو مداخله در این مناقشه، نقض حق تعیین سرنوشت مردم است (Bannelier & Christakis, 2013: 860). همچنین اگر هدف از مداخله، بازگرداندن منتخبان مردم به حکمرانی فراگیر باشد، معتبر و مشروع است.

به نظر می‌رسد گرایش به سوی مشروعیت دموکراتیک به خصوص زمانی که دعوت‌کننده فاقد کنترل مؤثر است، وجود دارد، لکن نظر اکثریت، کماکان وجود دعوت معتبر از سوی مقامات رسمی دولتی است که اعمال حاکمیت مؤثر دارد (Shaw, 2017: 877). از جمله دلایل رد مشروعیت دموکراتیک به‌عنوان رکنی از ارکان دعوت به مداخله آن است که براساس اصل برابری طرفین، حکومت خارجی، قاضی مشروعیت دولت نیست و نمی‌شود حقوق شهروندان در اعمال حق تعیین سرنوشت آنها را از منظر خود تعبیر کند. مداخله خارجی نباید امور داخلی آن کشور را دیکته کند و باید به وضعیت سیاسی آن کشور احترام بگذارد (Nguyen, 2019: 17).

به‌طور خلاصه، از حیث مشروعیتِ دعوت به مداخله می‌توان گفت در حقوق بین‌الملل معاصر، مداخله نظامی با رضایت قبلی و با هدف حمایت از تلاش‌های حکومت علیه هر موجودیت غیردولتی یا اشخاص خصوصی مستقر در سرزمین دولت دعوت‌کننده انجام می‌گیرد و در همه وضعیت‌های مسلحانه کمتر از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی حتی تنش و ناآرامی‌های داخلی چون اغتشاش قابل اعمال است (زمانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). در خصوص مؤلفه‌های دعوت به مداخله نیز وجود رضایت قبلی، اعلام آن توسط نمایندگان دولت و کنترل مؤثر توسط آنان بر سرزمین سه عاملی است که باید در یک قضیه احراز شود.

در پرتو نکات پیش‌گفته، دعوت فرانسه توسط نخست‌وزیر دولت موقت صورت گرفت، در شرایطی که شورشیان قسمت عمده سرزمین را در تصرف داشتند و تنها پایتخت و جنوب مالی در اختیار دولت مرکزی بود. بی‌تردید رضایت به صراحت و با اراده آزاد توسط مقامات مالی اعطا شده است، اما مشروعیت و اینکه نخست‌وزیر موقت ترانوره نماینده کشور است و کنترل مؤثر دارد، محل تردید است. ترانوره در پی کودتای ۲۰۱۲ به‌صورت موقت روی کار آمد و در روزهای منتهی به حمله فرانسه، وضعیت پایتخت بسیار بحرانی بود و سرنوشتی مقامات وابسته به ترانوره قطعی به‌نظر می‌آمد. از آنجا که دولت ترانوره از سوی جامعه بین‌المللی تنها دولت مالی شناخته می‌شد، نمایندگی کشور قابل قبول است، لکن ضعف در کنترل مؤثر قابل چشم‌پوشی نیست، از این رو مداخله صورت‌گرفته در تاریخ وقوع مداخله یعنی ۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ مشروع نیست. با وجود این، تأیید بعدی شورای امنیت، حمایت مردمی بعدی از دولت ترانوره (Bannelier & Christakis, 2013: 865) و اعتقاد برخی به نقش جبرانی مشروعیت دموکراتیک در حالت ضعف کنترل مؤثر، عواملی است که می‌تواند استمرار بی‌اعتباری مداخله را متوقف کند.

### نتیجه‌گیری

ورود فرانسه به بحران مالی با سه ادعای دفاع مشروع جمعی در برابر اقدامات تروریستی، دعوت به مداخله و جواز مندرج در مفاد قطعنامه ۲۰۸۵ شورای امنیت صورت گرفت. در خصوص مورد نخست، هنوز نمی‌توان از شکل‌گیری قاعده‌ای عرفی سخن به میان آورد که به حذف

حمله مسلحانه از ارکان دفاع مشروع دلالت کند؛ ضمن آنکه حتی اگر معتقد به اعمال دفاع مشروع بر اقدامات تروریستی باشیم و شروط مقرر بر این تأسیس چون همتراز بودن اقدامات تروریستی با حمله مسلحانه یک دولت محقق باشد، باید این گروه‌ها به دولت‌های دیگر منتسب باشند؛ با وجود این در بحران مالی، عمده شورش‌های انجام‌گرفته توسط اتباع این کشور صورت گرفت و از جانب دول دیگر نبود.

در خصوص دعوت به مداخله نیز به نظر می‌رسد این مداخله منوط به رضایت قبلی دولت میزبان است. هدف مداخله نیز حمایت از تلاش‌های حکومتی است که دارای کنترل مؤثر بر قلمروش است و گروه هدف، هر موجودیت غیردولتی یا اشخاص خصوصی مستقر در سرزمین دولت دعوت‌کننده است. در قضیه مورد بررسی، دعوت مقامات موقت مالی در حالی صورت گرفت که بخش زیادی از این کشور در تصرف شورشیان قرار داشت و دولت مرکزی فاقد کنترل مؤثر لازم بود.

پیش از بررسی دلیل سوم و اکنون که از دفاع مشروع جمعی و دعوت به مداخله سخن رانده شد، ضروری است موضوعی نظری تبیین شود. گاه نویسندگان، این دو تأسیس را بسیار نزدیک به یکدیگر تلقی می‌کنند، درحالی‌که مستقل از یکدیگرند و مبنا و زمینه اجرای متفاوتی دارند؛ بدین توضیح که اولاً، نگاه غالب و مورد تأیید دیوان بین‌المللی دادگستری برای دفاع مشروع، وقوع حمله مسلحانه با شدت و حدت خاص است درحالی‌که منازعات داخلی این‌گونه نیستند؛ ثانیاً حمله مسلحانه باید توسط دولت صورت گرفته باشد، لکن مناقشات داخلی توسط بازیگران غیردولتی انجام می‌شود؛ ثالثاً دفاع مشروع علیه دولت مهاجم و عمدتاً درون سرزمین اوست، درحالی‌که دعوت به مداخله، برای مقابله با بازیگران غیردولتی درون سرزمین دولت دعوت‌کننده است. از همه مهم‌تر آنکه، دفاع مشروع استثنایی بر اصل منع توسل به زور در روابط میان دولت‌هاست؛ حوزه‌ای که دعوت به مداخله به آن ارتباطی ندارد.

به هر رو در خصوص دلیل دیگر فرانسه یعنی جواز مندرج در قطعنامه ۲۰۸۵ شورای امنیت می‌توان گفت این سند با استفاده از عبارات مبهم، زمینه تفسیر موسع جهت توسل به اقدام نظامی را مهیا ساخت. این رویه شورا - که بی‌سابقه نیست - می‌تواند تزلزل و عدم ثبات را به روابط بین‌المللی تحمیل کند؛ به طوری که با اعلام وضعیتی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و بدون نیاز به اقناع تمامی اعضای دائم شورا و با گنجانیدن عباراتی کلی در هر مناقشه، به دولت‌ها یا نهادهای منطقه‌ای اجازه اقدام نظامی به صلاحدید خود را اعطا کند. صرف نظر از این ملاحظه، باید توجه داشت که آن عبارات کلی قطعنامه، به اقدام نظامی افسیما و دولت‌های آفریقایی معطوف است و به‌واقع جوازی برای فرانسه محسوب نمی‌شود.

در مجموع، شاید در دید صرف حقوقی بتوان گفت ادله فرانسه هنگام مداخله از منظر قواعد حقوق بین‌الملل قابل پذیرش نیست، اما تبعیت حقوق بین‌الملل از سه منطبق قدرت، برابری و همکاری، تأیید بعدی شورای امنیت و همراهی دولت‌ها با دولت مداخله‌گر می‌تواند معتبر بودن اقدام فرانسه در بحران مالی را دچار چالش نکند؛ بحرانی که ترکیبی از یکجانبه‌گرایی تأییدشده و چندجانبه‌گرایی مجاز بود.

**منابع****۱. فارسی****الف) مقالات**

۱. کدخدایی، عباسعلی؛ زرر نشان، شهرام (۱۳۸۶)، «امکان توسل به دفاع مشروع برای مبارزه با تروریسم»، مجله پژوهش‌های حقوقی، دوره ۶، شماره ۱۱، صص. ۸۵-۱۲۸

**ب) پایان‌نامه**

۲. زمانی، محمدعلی (۱۳۹۱)، دعوت به مداخله در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی

**۲. انگلیسی****A) Books**

1. Dinstein, Yoram. (2011), *War, Aggression and Self-Defense*, 5th ed., Cambridge University Press
2. Nolte, George (2010). *Intervention by invitation*. Max planck encyclopedia of public international law.
3. Shaw, Malcolm (2017). *International law*. Cambridge university press.

**B) Articles**

4. Bannelier, Karine, and Theodore Christakis,(2013). Under the UN Security Council's watchful eyes: Military intervention by invitation in the Malian conflict. *Leiden Journal of International Law*, Vol. 25, No.4, 855-874.
5. Doswald-Beck, Louise, (1986), "the legal validity of military intervention by invitation of the government", *British yearbook of international law*, 228-241
6. Garwood-Gowers, Andrew, (2004), "Self-defence against terrorism in the post-9/11 world", *Law and Justice Journal*, Vol. 4 No. 2, 167-184.
7. Hafner, Gerhard, (2009), "Present Problems of the Use of Force in International Law, Intervention by Invitation, The Draft Report of the 10th commission Institute de Droit international", *Annuaire de l'Institut de droit international - Session de Naples*, Vol. 73.
8. Mills, Claire, Arabella Lang, and Jon Lunn The crisis in Mali: current military action and upholding humanitarian law, .available at: <https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/sn06531/>
9. Nguyen, Quoc Tan Trung, (2019), "Rethinking the Legality of Intervention by Invitation: Toward Neutrality", *Journal of Conflict and Security Law*, Vol. 24(2), 201-238.
10. Onuoha, Freedom C., and Alex Thurston, (2013). "Franco-African military intervention in the Mali crisis and evolving security concerns", Al Jazeera Center for Studies.
11. Ratner, Steven, (2012), "Self- Defense Against Terrorism, The Meaning of Armed Attack", Michigan Public Law Research Paper No. 270.



12. Smith, Imran O., (2006), "Terrorism, pre-emptive self defense and state interests: what challenges for contemporary international legal order?", *Amicus Curiae*, Issue 67.
13. Visser, Laura, (2019), "May the force be with you: The legal classification of intervention by invitation", *Netherlands International Law Review*, Vol. 66, No.1, 21-45.

### C) Documents & Judgment

14. Document (with annexes) from the Russian Federation setting out its position regarding the alleged "lack of jurisdiction" of the Court in the case, 7 March 2022, [www.icj-cij.org/public/files/case-related/182/182-20220307-OTH-01-00-EN.pdf](http://www.icj-cij.org/public/files/case-related/182/182-20220307-OTH-01-00-EN.pdf) (accessed 1 April 2022).
15. ICC prosecutor report, situation in Mali, 16 January 2012, available at: [http://www.icc-cpi.int/en\\_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/icc0112/Documents/SASMAliArticle53\\_1PublicReportENG16Jan2013.pdf](http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/situations%20and%20cases/situations/icc0112/Documents/SASMAliArticle53_1PublicReportENG16Jan2013.pdf)
16. ICJ Rep, 1986, Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Judgment, 27 June 1986
17. ICJ Rep, 2003, Oil Platforms (Iran v US), Judgment, 6 November 2003
18. ICJ Rep, 2004, Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, 9 July 2004, I.C.J Reports
19. ICJ Rep, 2005, Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, 19 December 2005
20. S/2012/727
21. S/2013/17, Identical letters date 11th January 2013 from the Permanent Representative addressed to the Secretary General and the President of the Security Council.
22. S/RES 2100, 2013
23. S/RES, 2085, 2012
24. S/RES, 387, 1976
25. S/RES/2056/2012
26. S/RES/2071/2012
27. SC/10878
28. Statement of the President of the ECOWAS Commission on the Situation in Mali, 006/2013 12 January 2013
29. The Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries 2001
30. The Draft Report of the 10th commission of the ILI, 2011
31. The Draft Report of The Institute of International Law on The Principle of Non-Intervention in Civil Wars, 1975